

شکل نوین زندگی اجتماعی در چند دهه‌ی اخیر، ساختها و بافتهای نوظهور فرهنگی در عرصه‌ی ارتباطات و رنگ‌باختگی بعضی از ارزش‌های بومی و فولکلور در تقابل با مکانیزم نابسامان زندگی مدرن و هیاهوهای تکان‌دهنده‌ی ماشینیسم؛ این ضرورت را در معادلات فکری و فرهنگی به بار می‌آورد که باید در برابر کم‌توجهی به موارث ارزشمند قومی و بومی اقدامی جدی بعمل آورد.

ناگفته پیداست که دنیای گسترده‌ی اطلاع‌رسانی و شیوع نه چندان سالم زندگی شهرنشینی و رواج نوعی تفکر ناپخته‌ی مدرن‌گرایی اجتماعی که بیشتر زاینده‌ی جامعه‌ی پایانه‌های قرن بیستم می‌باشد، کم‌رنگی شگفتی به ابعاد ارزشمند زبان و ادبیات بومی و محلی داده است و تقریباً قسمت اعظم آن قداست و شکوهمندی موجود در این عرصه‌های باشکوه را چنان دستخوش هجوم خود قرار داده است که به تدریج و در صورت استمرار این غفلت بزرگ؛ ادبیات محلی و بن‌مایه‌های لطیف فولکلوریک همراه با تمام ابعاد زبان‌ها و گویش‌های دل‌نشین این حوزه‌ها رو به افول خواهد گذاشت.

ارزش و اعتبار ادب فولکلور و آنچه که در قالبهای مختلف ادبی مربوط به آن می‌شود، امری مسلم و بدیهی است. فرهنگ‌شناسی و ارائه‌ی نگاهی جامعه‌شناسانه و

دقیق و متکی بر مولفه‌های جدید فرهنگی، بدون وام‌گیری و فاکتور گرفتن از کدهای محلی و بومی و بی‌چشم‌اندازی دقیق نسبت به آیین‌ها و برداشتها و باورداشتهای بومی و جوانب مختلف و رازآمیز آن میسر نخواهد بود. امروزه تلقی و برداشت از فرهنگ، امری گسترده و مفهومی همه‌جانبه است و شناخت فرهنگ‌ها از ضرورت‌هایی انکارنشدنی در عرصه‌های زندگی اجتماعی تصور می‌شود. فرهنگ‌ها و آیین‌های محلی یکی از زنده‌ترین و متحرک‌ترین بخش فرهنگی یک جامعه به حساب می‌آید که برای ورود به فضای متنوع و حیرتانگیز آن از شناخت زبان‌ها و گویش‌های محلی ناگزیریم.

زبان‌ها و گویش‌های محلی به‌عنوان زیرمجموعه‌های زبان رسمی یک کشور بوده، تحقیقاً مانند خود زبان، موجودی زنده می‌باشند و در حوزه محدود و منطقه‌ای خود تنوعات شگفتی را دربردارند که بررسی این تنوعات از سویی و پیوند آن با یگانگی زبان رسمی از سویی دیگر، دامنه‌های تحقیقی بسیاری را می‌طلبد و نیازمند دانش کافی در حوزه‌های بوم‌شناسی، قوم‌شناسی و زبان‌شناسی می‌باشد.

یکی از لوازم اصلی مطالعه در ابعاد مختلف زبان‌ها و گویش‌های محلی آشنایی با واژه‌ها و اصطلاحات متعارف و غیرمتعارف موجود اعم از منابع شفاهی و کتبی است. آنچه که امروزه غفلت اصحاب فرهنگستان زبان فارسی را نیز در خود دارد عدم توجه کافی به تحقیقات علمی و کانا لیزه شده در حوزه‌ی واژه‌نامه‌نویسی زبانهای محلی می‌باشد. بی‌تردید پویایی و مانایی زبانها و گویش‌های محلی می‌تواند به استحکام و استواری و همچنین کارکردهای زیبایی‌شناسانه زبان فارسی در

زمینه‌ی واژه‌سازی و بهره‌گیری از منابع گویش‌ها و زبانهای محلی در امر آفرینش واژگان جدید و موردنیاز جامعه بیفزاید.

آنچه که در تألیف «واژه‌نامه‌ی بزرگ تبری» نقش اساسی را ایفا کرده نوعی حس فرهنگ دوستی و احساس مسئولیت نسبت به پاسداری از زبانها و گویش‌های محلی است. تبیین برنامه‌هایی مشخص با در نظر گرفتن تمامی مشکلات موجود اعم از هزینه‌های مالی و غیرمالی از طرف اربابان فرهنگ و ادب، برای انجام کارهایی اینچنین پیرامون زبان‌ها و گویش‌های محلی دیگر مناطق کشور می‌تواند پاسداشتی جدی از موارث فرهنگی زبان و گسترش کارکردهای واژگانی زبان فارسی باشد.

در حوزه‌ی «واژه‌نامه‌نویسی» زبان تبری کارهایی انجام پذیرفته که یکی از ویژگیهای شاخص و مشترک این آثار بیشتر «متمرکز بودن» و «منطقه‌ای بودن» آنهاست مثلاً محقق صرفاً با تکیه بر واژه‌های شهر و روستای محل سکونت خود اقدام به جمع‌آوری و ضبط و ثبت نموده و دست به انتشار زده است. با نگاه به این دسته از واژه‌نامه‌های تبری این تصور نادرست پیش می‌آید که انگار زبان شکوهمند تبری با آنهمه گسترده‌ی کاربردی و تاریخی که دارد همین مقدار واژگان محدود و اندک را در خود جای می‌دهد! درحالیکه اهل تحقیق می‌دانند که پیوند زبان تبری با زبان فارسی از سویی و هم‌ریشگی و همپایگی آن با زبان پهلوی از سویی دیگر، طیفی وسیع و اعجاب‌آور از واژگان و اصطلاحات کنایات را به خود اختصاص داده است که استخراج و ثبت و ضبط آن نه کار یک نفر که به یقین کار یک گروه کارگشته و اهل فن می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فرهاد صابر

واژه‌نامه بزرگ زبان تبری

یکی دیگر از مشکلات واژه‌نامه‌هایی که در طی دهه‌ها و خصوصاً سال‌های اخیر در حوزه‌ی زبان تبری گردآوری شده است «موضوعی بودن» بعضی از آنهاست اگرچه موضوعی بودن بعضی از واژه‌نامه‌ها خود به گستره‌ی فعال زبان تبری اشاره دارد با اینهمه عیب اساسی این واژه‌نامه‌ها این است که بخاطر تخصصی بودن در موضوعی مشخص مثلاً «واژگان مربوط به چوپانها، مراتع، کشاورزی و...» نمی‌تواند بیانگر تمام ابعاد واژگان زبان تبری باشد و در حقیقت قسمتی محدود از زبان تبری را عرضه می‌کند، بهر حال تقریباً همه اهل تحقیق به نایبسامانی‌های موجود در این زمینه معتقد و نسبت به این اعتقاد، اشتراک نظر دارند.

جدای از این دو مشکل مذکور، معضلات دیگری نیز در زمینه واژه‌نامه‌نویسی زبان تبری قابل ذکر است که می‌توان از عدم رعایت نکات فنی و قواعد علمی مربوط به فونتیک در ثبت تلفظ واژه‌ها، بهره‌برداری از حافظه و ذهنیت‌های محدود شخصی و فردی، گرایشهای ناپرخدانه ناسیونالیستی بعضی مؤلفین نسبت به شهر و منطقه‌ای خاص، عدم دسترسی به منابع لازم از جمله نسخ خطی و دیگر منابع کتبی، فقدان استفاده از شیوه‌ی علمی و میدانی در جمع‌آوری واژه‌ها، دخالت ندادن مؤلفه‌های زبان‌شناسانه در به‌گزینی واژگان و اصطلاحات و... ذکر کرد.

با اینهمه تمام کارهایی که تاکنون انجام شده است به نوعی از اهمیت برخوردار بوده در کنار ضعف‌ها و مشکلات موجود در خود، نقطه‌قوت‌هایی نیز دارند که من حیث المجموع می‌توانند زمینه‌ی لازم را برای تهیه یک کار بزرگ و جدی هموار سازند و حقیقتاً تألیف یک

واژه‌نامه جامع در زبان تبری بدون نگاه و نظر به یک یک واژه‌نامه‌هایی که نوشته شده امری غیرممکن خواهد بود.

در همین زمینه نگاه به «واژه‌نامه بزرگ تبری» که مجموعه‌ای هفت جلدی بوده و جلد نخست آن شامل حروف «الف و ب» چاپ و منتشر شده است بعنوان اولین اثر جدی و قابل تأمل در حوزه‌ی واژه‌نامه‌نویسی زبان تبری می‌تواند فضایی تازه و روشن فراهم کند.

مجموعه قابل توجه «واژه‌نامه بزرگ تبری» با تلاش و همت سرپرستان و گروه پدیدآورندگان با منظری تطبیقی به واژه‌های زبان تبری می‌پردازد و از این حیث می‌توان آنرا اولین گام بزرگ در پرداخت به واژه‌نامه‌نویسی تطبیقی بومی تلقی کرد.

طرح کلی واژه‌نامه مذکور از سال ۱۳۶۹ چیده شده است که با دعوت از محققین و پژوهشگران بومی که چهره‌هایی بعضاً نام آشنا و صاحب تجربه در این زمینه می‌باشند، شروع گردیده است. نیم‌نگاهی به مشخصات اصلی این اثر همچون تحقیقات میدانی با شیوه‌ای ثابت و علمی، کار گروهی در هر یک از شهرهای استان و هماهنگی لازم بین گروه‌های مختلف در یک هسته‌ی مرکزی تحت عنوان گروه مؤلفان و پدیدآورندگان، استفاده از اهرم‌های مختلف در مناطق گوناگون استان تحت عناوین گویش‌وران و همکاران در حدود چهارصد نفر، استفاده از منابع کتبی خصوصاً نسخ خطی موجود، توجه به اصول آوانویسی (فونتیک) جهت ثبت تلفظ واژگان و تعیین شیوه‌ای ساده و روان در این زمینه، استفاده از اصحاب فن و آشنایان به مقولات زبان‌شناسی در خارج از استان، بهره‌گیری از تمامی واژه‌نامه‌های تألیف شده در

سال‌های اخیر و... می‌تواند آن را در زمره‌ی یکی از علمی‌ترین واژه‌نامه‌های بومی در سطح کشور مورد توجه قرار دهد.

در زمینه چگونگی جمع‌آوری واژگان و طرح و روش تحقیق در ثبت و ضبط واژگان در «پیش سخن» جلد نخست واژه‌نامه مذکور آمده است «بر اساس طرح نهایی، کلیه واژه‌های گردآوری شده‌ی هیئت پدیدآورندگان و یا ارسالی از سوی دستداران این واژه‌نامه توسط ویراستاران در مرکز تحقیقات بر اساس نظام الفبایی دسته‌بندی و آرشیو شد سپس بر مبنای طرح طبقه‌بندی شده‌ی هیئت، پدیدآورندگان به گردآوری واژگان بازمانده پرداختند و به موازات این کار، گروه مطالعات مستقر در مرکز، استخراج واژه از یک صد و نه منبع قدیم و جدید تبری را در دستور کار خود قرارداد. بدین ترتیب چند میلیون واژه گردآوری و با حذف واژگان تکراری بدون در نظر گرفتن تعلق مکانی و منطقه‌ای، هر واژه در فیش‌های مخصوص خود وارد و به عنوان واژه‌ی پایه در دفاتر ثبت شدند. بر اساس این طرح، دفاتر تنظیم شده مبنای کار و برنامه دوباره محققین و پدیدآورندگان هر منطقه قرار گرفت یعنی بر اساس دفاتر پایه، مؤلفین با استفاده از گویش‌وران متعددی که از پیش و از صنوف مختلف انتخاب شده بودند به ضبط هر واژه‌ی ثبت شده بر اساس لهجه‌ی منطقه‌ی خود پرداختند و بدین ترتیب نزدیک به ششصد و نود حلقه کاست و افزون بر دویست و پنجاه هزار واژه از مناطق مختلف ضبط گردید.»

با دقت در آنچه که در جلد نخست این اثر گروهی جمع‌آوری شده است می‌توان به این واقعیت دست یافت که کار گروهی در زمینه‌ی واژه‌نامه‌نویسی همواره

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



واژه نامه بزرگ تبری

کار گروهی

فرهنگ خانه ساری، ۱۳۷۷

نوعی، توفیق را به همراه داشته است و تجربه جلد اول واژه‌نامه مذکور حکایت از چنین امری دارد:

ساختار کلی واژه‌نامه بزرگ تبری، تطبیقی و میدانی بودن آن است و هیچیک از مناطق استان مازندران بعنوان نقطه مرکزی و خاستگاه زبان تبری قرار نگرفته است و از این حیث نسبت به دیگر واژه‌نامه‌هایی که به منطقه‌ی خاصی پرداخته‌اند تفاوتی آشکار دارد. یکی از مهم‌ترین مشخصات این اثر آن است که هر واژه با توجه به ترتیب حروف الفبایی در ستون «واژه پایه» قرار گرفته است و تلفظ‌های معادل آن با ساخت و تلفظ‌های مختلف در ستون همه شهرها ضبط می‌شود و در صورت تفاوت واژه معادل در ستونهای شهر با واژه‌ی پایه با توجه به حروف الفبا دوباره در ستون واژه پایه تکرار خواهد شد و معادل‌های آن در ستون همه شهرها ضبط خواهد شد. این گردش واژگانی تقریباً نسبت به همه واژگان در این اثر ادامه خواهد داشت و تمامی واژه‌ها را دربر خواهد گرفت و هر واژه چه برگرفته از منبع شفاهی یا چه ثبت شده از منبع کتبی در ستون واژه پایه قرار خواهد گرفت و تکرار خواهد شد تا دسترسی به تمامی واژه‌ها با توجه به حروف الفبایی میسر باشد.

با توجه به ارتباط تاریخی و انکارناپذیر زبان تبری با زبان پهلوی در پایان جلد نخست واژه‌نامه مذکور واژه‌هایی که ریشه پهلوی داشته‌اند بطور جداگانه استخراج گردیده و با معادل پهلوی خود فهرست شده‌اند که جهت سهولت دستیابی به این واژه‌ها نخست فهرستی از تبری به پهلوی و سپس فهرستی از پهلوی به تبری عرضه شده است که با نگاهی به کارکردهای زبان‌شناسی در حوزه واژه‌نامه‌نویسی، اقدامی قابل تأمل و جالب می‌باشد.

با اینهمه واژه‌نامه تبری مشکلاتی چند نیز در خود دارد که مرور ابعادی چند از این مشکلات خالی از فایده نخواهد بود. ضمن اینکه چون این اثر گروهی هنوز با چاپ جلد اول در ابتدای راهی دشوار قرار دارد می‌توان امیدوار بود که بسیاری از این مشکلات در جلدهای بعدی مورد جرح و تعدیل قرار بگیرد یا بعضاً که مربوط به شکل ضبط غلط بعضی واژه‌ها یا شکل تلفظ آنهاست در چاپ‌های بعدی بسادگی قابل حل خواهد بود اما یکی از اشکالات عمده‌ی اثر مذکور مربوط به تعیین عنوان «واژه پایه» می‌باشد که این تصور را بوجود می‌آورد که تمام واژه‌هایی که در این ستون قرار می‌گیرد مستقیماً از حوزه‌ی زبان تبری استخراج شده‌اند و با توجه به مسائل ریشه‌شناسی زبان تبری و ارتباط آن با پهلوی عنوان «واژه پایه» این شک را بوجود می‌آورد که تمامی این واژه‌ها از چنین ارتباطی بهره‌مندند درحالی‌که با نگاهی کلی می‌توان دریافت که بعضی از این واژه‌ها یا وام‌گیریهایی مستقیم زبان تبری از زبان فارسی و پهلوی می‌باشد و یا بعضاً واژه‌های دخیل و وارداتی از زبانهای عربی و روسی و گاهی نیز ترکی می‌باشند که علی‌الاصول این گروه اخیر تبری نیستند و صرفاً بخاطر گثرت کاربرد آن در زبان تبری در ستون «واژه پایه» قرار گرفته‌اند لذا اطلاق عنوان پایه به این واژه‌ها جای تأمل و درنگ دارد. اینگونه به نظر می‌رسد که حذف کلمه‌ی «پایه» از این ستون می‌تواند کمک شایانی به رفع این مشکل نماید.

دیگر آنکه در قسمت ستون معنی واژگان علاوه بر اینکه گاهی مشخصات دستوری بعضی از واژگان، نادرست ثبت شده است مشکل اصلی آن است که معنی عرضه شده معمولاً واژه‌ی پایه را دربر می‌گیرد و گاهی

هیچ ارتباط معنایی با کلمات معادل در ستون شهرها ندارد. ضمن اینکه پیدا کردن معنایی که با واژگان ستون شهرها هماهنگی داشته باشد در بخشهایی که از واژه پایه چند معنی ارائه شده است مقداری دشوار می‌باشد بهر حال واژه‌نامه‌ی بزرگ تبری محصول یک همت و اراده‌ی دسته‌جمعی می‌باشد و با نگاهی به اسامی سرپرستان و مؤلفین و همکاران و گویش‌وران این مجموعه می‌توان به این واقعیت دست یافت که هماهنگ کردن این تشکیلات و گروه‌ها نشان از دقت نظر و زحمات بسیاری دارد که جز با نیرو گرفتن از عشق و علاقه نسبت به زیبایی‌های ادبیات محلی امکان‌پذیر نیست.

واژه‌نامه‌ی بزرگ تبری اگر از دست‌اندازهایی همچون حرکت کند و تدریجی آن جهت چاپ دیگر مجلدات، شکل امکانات مالی و عدم توجه کافی و مسئولانه‌ی مراجع ذیصلاح فرهنگی عبور کند می‌تواند بستری مناسب برای بسیاری از تحقیقات بوم‌شناسی، فولکلوریک، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، ریشه‌شناسی و خصوصاً شناخت هنر و ادب محلی قرار گیرد. علاوه بر این حضور این مجموعه می‌تواند به غنای مطلوب فرهنگ محلی در استان مازندران دامن بزند و از فروپاشی و کمرنگ شدن ارزشهای محلی و بومی جلوگیری نماید و این میسر نخواهد شد جز اینکه تمام کسانی که خود را در قبال ارزشهای بومی و ادبیات فولکلور علاقه‌مند و مسئول می‌بینند در زمینه سیر تکاملی اثر مذکور و تکمیل چاپ دیگر مجلدات آن گامی بردارند و کاری بکنند.

پاورقی:

۱- واژه‌نامه بزرگ تبری، ج اول، ۱۳۷۷، تهران، ص ۳۲.

ژئوشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳۰۴

شهر	منطقه باهل	منطقه آمل	منطقه نیر-کمر-شوش	منطقه عباس آباد	منطقه تنکابن	منطقه کنترل	برگردان فارسی
شهر	bešnāsse	bešnāse	bešnāsā	bešnāsāl	ešnāsen	bešnāsān	بشناسن (معنی)
شهر	niyēn	bešnāsēn	niyan	niyan	dan	ešnāsān	بشناسن
شهر	ešnā	bešnā	bešnā	→	ešnāsiēn	bešnāxtan	بشناختن (معنی)
شهر	siyā	siyān	sēyan	→	ešnāxtan	→	بشناختن
شهر	→	→	→	→	→	→	→

واژه پایه	منطقه کردکوی	منطقه بهشهر	منطقه ساری	منطقه قائم‌شهر
بشور	→	بشور	→	→
bašur	→	bašor	→	→
بشور دشور	→	بشور بهمال	→	→
bašur	→	bašur	→	→
dašur	→	bešnāl	→	→
بشور هاشور	→	→	→	→
bašur	→	→	→	→
hāšur	→	→	→	→
بشورشن	→	بشناختن	→	→
bašusiēn	→	bašosiēn	→	→
→	→	→	→	→
→	→	→	→	→